

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاند تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هیم از آن به که کشور به دشمن د هیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طــــنــــز



بُلْبُلَا! هم گپِ مرغانِ چتلخوار نشو
هیچ بازاغ و زغن ، داخلِ گفتار نشو
آنهمه لاشه و ، پسمانده خورانند و کثیف
ز حلالِ سخنِ خویش ، به مُردار نشو
سر و کارِ تو ، به باغ و چمن و غنچه گل
دور از گل شده نزدیک به هر خار نشو
گل و بلبل بکجا ، کرگس و خُفاش کجا
گوشِ خود کر کده ، آزرده ، دل افگار نشو
ز شغال و ز سگِ زرد و ، ز بیر و ز پلنگ

راهِ خود کن عوض و ، طعمهٔ گفتار نشو
 دان غنیمت گپِ ابرار و ، ز اغیار گریز
 یارِ اختیار شو ، همصحبیتِ اشرار نشو
 ز (الف) یعنی ، ز (سمین لچرِ بدماشک)
 تا به (یا) دوست به (سادات) و به (ستار) نشو
 آن (ملا عبدالرؤف) که چو ابلیسِ پلید
 آگه زنگ زد ، تلیفونِ خوده ، بردار نشو
 زانکه این طائفه بدتر ز (یزید) اند و ز (شمر)
 وقتِ خود صرف نکو ، داخلِ پیکار نشو
 آن (ملا عبدالرؤف)ی که سگِ انگلیس است
 با چنین زادهٔ ابلیس ، به گفتار نشو
 دوش دیدم که ، همان (سیمینِ بدماشِ لچر)
 به ملازاده همی گفت ، طلبگار نشو
 صیغه خوبست و بیا ، صیغه کده کیف کنیم
 هوش کن شاعرِ گستاخ ، خیردار نشو
 ناخنک ، جنگ ناخنک بین (حمیدی) و (لچر)
 کمکِ ملکِ عرب کم شده ، بسیار نشو
 لیک از کشورِ انگلیس ، رسد بیشترک
 رازِ شان حفظ کن ، افشاگرِ اسرار نشو
 که قراردادِ (ملا زاده) و (سیمینِ لچر)
 به شراکت شود آغاز و خیردار نشو
 مدتی شد خبری نیست ، ز (فضلوی غنی)
 دهن و پُوزش ، کج بسته به افسار نشو
 توز باغِ ملکوتی و ، بدان ، قدرِ خوده
 به غم عالمِ ناسوت ، گرفتار نشو

دل ز کف میبَرَدَا ، ترجمه و تفسیرت
خوده اسپند کده ، زخمِ نظر دار نشو
« نعمت » اخلاص به تو بلبلِ قدسی دارد
شو پذیرا رِقْمَش را ، ولی انکار نشو